

واکنش آیت‌الله عبدالکریم حائری موسس حوزه علمیه قم به طرح مسائل اختلافی بین شیعه و سنی

انتشار یک سند تاریخی مربوط به فتوای صریح آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، مرجع بزرگ تشیع و بنیانگذار حوزه علمیه قم مربوط به هفتاد سال پیش، نشان می‌دهد که مرجعیت شیعه با اقدامات تفرقه‌افکنانه به شدت مخالف بوده است.

بنا بر این گزارش، آیت‌الله عبدالکریم حائری در پاسخ به استفتایی در سال 1314، با تأکید بر اعتقاد شخص خود به رجعت اهل بیت، تبلیغ آن را در صورتی که مخالف وحدت شیعه و سنی باشد، جایز ندانسته‌اند. متن کامل استفتا و پاسخ آیت‌الله عبدالکریم حائری به شرح زیر است:

محضر انور بندگان حضرت آیت‌الله حائری مدظله‌العالی

تصدیع می‌دهد آن که راجع به موضوع رجعت جسمانی مذکور در طریقه شریفه امامیه و مذهب مقدس جعفری، آنچه معتقد حضرت مستطاب بندگان آیت‌الله مدظله‌العالی است و مستحصل از کتاب و سنت می‌دانند، مرقوم فرمایند که مورد حاجت است.

پاسخ آیت‌الله حائری:

بسم الله الرحمن الرحيم

احقر به واسطه کثرت اخبار، اعتقاد به رجعت دارم به نحو اجمال، ولی این مطلب نه از اصول دین و نه مذهب است که اگر فرضاً کسی معتقد به آن نباشد، خارج از دین و یا مذهب شمرده شود و نه از مسائل علمیه است که بر افراد مکلفین لازم باشد، اجتهادا یا تقلیدا به دست آورند و در مثل این زمان باید به نحو دیگر حفظ دیانت مردم نمود و گفتگوی این نحو از مطالب به جز تفرقه کلمه مسلمین و ایجاد یک عداوت مضره بین آنها فایده ندارد.

الاحقر عبدالکریم الحائری

همچنین در یادداشت دیگری که توسط آیت‌الله سیدمصطفی خوانساری، از شاگردان خاص آیت‌الله حائری و آیت‌الله بروجردی نوشته شده و به تأیید آیت‌الله حائری نیز رسیده است، از اقدامات تفرقه‌افکنانه برخی از روحانیون به شدت انتقاد شده است.

در این یادداشت که در سال 1313 منتشر شده، آمده است: در این جا می‌خواهم چیزی را تذکر دهم که بسیاری از مردم آن را نمی‌دانند و یا اگر بدانند به آن توجهی ندارند و آن زبان‌های بی‌شماری است که در نتیجه اختلافات مسلمین پیدا شده و ما به آن اعتنا نداریم.

فرق مسلمین از خاصه و عامه، شیعه و اهل تسنن و طوایف دیگر باید این اختلافات را کنار گذارند و دشمنان بزرگ خود را که مادیین و نصارا و دیگران هستند، جواب گویند و مزایای دین اسلام را به اهل عالم برسانند. فرق مسلمین باید همچون اعضای یک بدن برای یک مقصود، که ترویج اسلام است بکوشند.

دست و پا و دیگر اعضای بدن گرچه از یکدیگر جدا و مفرعند، ولی همه برای یک مقصود که نگهداری بدن است، کوشش می‌کنند. ما باید دینداری را از صحابه و تابعین و مسلمانان صدر اسلام بیاموزیم که از اختلافات خود چشم پوشیدند و در پیشرفت یک مقصود کوشیدند. آری، در نتیجه اتحاد و یگانگی آن‌ها بود که اسلام با آن همه سرعت در همه جای عالم منتشر شد.

اگر پس از رحلت پیغمبر، مسلمین آن اتحاد را نداشتند و تحت کلمه واحد توحید و شهادت به رسالت جمع نمی‌شدند، آیا ممکن بود آن پیشرفت‌ها برای اسلام پیدا شود؟ آیا آن همه زحمات پیغمبر اسلام به هدر نمی‌رفت؟ آری به اجتماع جهان را توان گرفت.

در امروز هم اگر مسلمین همان اتحاد را داشته باشند و به وسیله قلم و زبان، مزایای اسلام را به اهل عالم برسانند، نتیجه‌اش کمتر نخواهد بود، زیرا مردم امروز، زبان‌های بی‌دینی را به خوبی دیده و سنجیده‌اند. هرگاه دینی مانند اسلام ببینند، به زودی بپذیرند.

گذشته از این، اختلافات کنونی مورد ندارد، زیرا امروز کسی که داعی خلافت داشته باشد در میان نیست تا این که به این واسطه اختلافاتی باشد و در اصل دین که توحید و نبوت و معاد است، اختلاف نیست؛ فقط اختلاف در مسئله امامت و خلافت بلافصل است که از اصول مذهب است و آن هم به واسطه نبودن امام حاضری

اما اختلافات در فروع دین – این اندازه اختلاف در میان هر قومی هست و نباید برای این با یکدیگر دشمنی کنند. چنان که عامه در فروع فقهیه، پیروی یکی از فقها و ائمه اربعه خود را می‌کنند، شیعه هم متابعت ائمه اثنی‌عشر و فقهای خود را می‌نماید و این اختلاف در فروع هم به جایی مضر نیست.

فقط همان مسأله خلافت است که آن هم چون امروز موضوع ندارد، باید کنار گذارند تا این که از اصل مقصود باز نماند، وگرنه دیگران که منتظر بازار آشفته‌اند با بودن این اختلافات به مقصود خواهند رسید. داستان سید و شیخ و بازاری در باغ معروف است که به واسطه اختلاف، هر سه مغلوب شدند، بلکه آن چه از مراجعه به تاریخ به دست می‌آید، بیشتر غلبه‌هایی که در عالم شده، به واسطه اختلاف مغلوبین بوده است.